(4)

هو الأبهی

ای احبای حضرت سلطان عرصه توحید ایام ظهور مجلی طور اشراق نور بود و یوم سرور و حبور و زمان طرب و شادمانی و فرح و کامرانی و چون آن مهر منیر در فلک اثیر افول فرمود شام ظلمانیست و وقت حزن و حسرت و سوگواری و اوان فرقت و حرقت و شدت و ناتوانی احزانست که مونس جانست چشم گریانست که ندیم قلب سوزانست و فریاد و فغانست که متصاعد بآسمانست این یک مقامست در مقام دیگر این قرن عظیم و عصر جدید خداوند مجید است و در هر ساعتی آنچه دهقان در مرزعه کون کشته و از معین رحمانیت آب داده سبز و رویندہ گردد و لطافت گلستان شود و طراوت بوستان گردد و در هر دمی شبنمی رسد و در هر نفسی صبح تأییدی دمد و آثار باهره این کور اعظم ظاهر و باهر شود و قدرت و عظمت سلطان احدیت واضح و لائح گردد چه که قرن مدتش صد سالست پس در این عصر مجید خداوند جلیل یوما فیوما امر الهی در علو و ارتفاع است و سمو و امتناع و ظهور آثار جمال و جلال و بروز آیات قدرت و عظمت رب بیمثال هر چند از فوز لقا محرومیم اما از نفحات قدس حدیقه وفا مهتزیم و در بحبوحه این قرن و وسط این عصر کریمیم و البهاء علیکم (ع ع)